

## فهرست مطالب

|     |  |
|-----|--|
| ۷   | ..... مقدمه                            |
| ۱۱  | ..... دلیل نگارش                       |
| ۱۳  | ..... هدف‌های ازدواج                   |
| ۱۷  | ..... پرسش‌های عمومی                   |
| ۲۱  | ..... ملاک‌های انتخاب همسر             |
| ۵۵  | ..... پرسش‌هایی که زیاد پرسیده می‌شوند |
| ۹۹  | ..... پرسش‌هایی برای بعد از ازدواج     |
| ۱۰۳ | ..... کلام آخر                         |



## مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌ها و به عبارتی شاید مهم‌ترین تصمیمی است که هر فرد ممکن است در زندگی خود بگیرد و از این رو باید کاملاً آگاهانه و عاقلانه باشد.

یک ازدواج موفق می‌تواند فرد را از نظر اجتماعی، اقتصادی، عاطفی، جنسی، جسمی و ذهنی و حتی مذهبی به کمال برساند و برعکس یک ازدواج ناموفق می‌تواند هم به فرد و هم به خانواده‌ی او و هم به طرف مقابل و هم به خانواده‌ی طرف مقابل از لحاظ تمامی جنبه‌های اشاره شده به شدت آسیب برساند و برای همین است که می‌گوییم ازدواج نکردن بهتر است تا ازدواج نامناسب کردن.

در دوران گذشته، پدران و مادران ما کاملاً به روش سنتی ازدواج می‌کردند و در بسیاری از اوقات ندیده و نشناخته تن به این کار می‌دادند و تا پایان عمر، بی‌آن که طعم خوشبختی را بچشند، در کنار هم فقط و فقط روزگار را سپری می‌کردند. آن‌ها فکر می‌کردند که زندگی یعنی فقط گذران روزگار و عادت به شخصی که در کنارش عمری را سپری کنی، فرزندان به دنیا بیاوری و اصلاً به این فکر نکنی که آیا عشق در زندگی وجود دارد یا نه. این روزها جوانان کمتر به ازدواج سنتی تن می‌دهند و ترجیح می‌دهند با کسی آشنا شوند، او را بشناسند و سپس ازدواج کنند. البته همه‌ی خانواده‌ها با

این مسئله موافق نیستند و همان ازدواج سنتی را می‌پسندند. بنابراین امروزه جوانان نسل ما در وضعیتی بین سنت و نوگرایی در حال دست و پا زدن هستند و این مسئله خود باعث بسیاری از مشکلات جامعه‌ی ما شده است که امر مهم ازدواج و انتخاب همسر نیز از آن بی‌نصیب نمانده است. در چنین موقعیتی مشاوره‌ی قبل از ازدواج می‌تواند راه حلی برای این مشکل باشد.

از آنجا که هر فرد با ویژگی‌های ژنتیکی پدر و مادر خود به دنیا می‌آید و قسمت اصلی شخصیت او در محیط خانه و از طریق پدر و مادرش شکل می‌گیرد و نیز میزان سلامت جسمی و ذهنی او در آینده بستگی به همان ژنتیک و تربیت دارد، پس درمی‌یابیم که انتخاب همسر، هم در زندگی خود ما و هم فرزندان ما، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همانطور که ما برای خرید خانه، ماشین و یا هرچیز دیگری با کسانی که آگاهی کافی در این زمینه دارند مشاوره می‌کنیم، باید برای ازدواج هم با متخصصان این امر مشاوره کنیم.

یک ازدواج مناسب و معقول باعث شکوفایی فرد می‌شود و همچنین در یک خانواده‌ی سالم، که عشق و احترام در آن وجود داشته باشد، فرزندان سالم رشد خواهند کرد. این روزها با در دست بودن کتاب‌های مختلف در زمینه‌ی ازدواج، مشاوران متخصص، اینترنت و ... اگر دچار اشتباه در همسرگزینی شویم مقصر اصلی فقط و فقط خودمان خواهیم بود. در نسل قبل از ما، به دلیل ناآگاهی، اشتباهات زیادی در انتخاب همسر به وجود می‌آمد، ولی پدران و مادران ما قربانی ناآگاهی نسل قبل از خود بودند و ما امروزه نباید به آن‌ها خرده بگیریم. اما ما امروز مسئول

تربیت فرزندانمان هستیم و با یک انتخاب اشتباه مورد مؤاخذهی فرزندانمان قرار خواهیم گرفت.

به طور کلی می‌دانیم که ازدواج مجموعه قوانینی است که جامعه وضع می‌کند تا زن و مرد با هم ارتباط عاطفی و جنسی سالمی داشته باشند. امروزه نظام خانواده از حالت خویشاوندی و قبیله‌ای به سمت هسته‌ای پیش می‌رود. در قدیم، عروس و داماد بعد از ازدواج در همان خانه‌ی پدری و در کنار دیگر اعضای خانواده زندگی می‌کردند و در تربیت فرزندان این دو نفر، تمامی افراد خانواده دخیل بودند. امروزه در خانواده‌ی هسته‌ای تنها پدر و مادر هستند که فرزندان را تربیت می‌کنند و هیچ‌کس توصیه، راهنمایی و دخالتی در تربیت آنان نمی‌کند. روان‌شناسان بر این باورند که در چهارده تا هجده ماه اول زندگی کودک، تنها یک نفر باید عهده‌دار تربیت او باشد و سالم‌ترین کودک، کودکی است که تا سی ماه اول زندگی فقط مادرش او را تربیت کرده و پدر به عنوان یاری‌رسان در کنار مادر حضور داشته باشد.

همانطور که استاد ارجمند آقای دکتر هلاکویی فرموده‌اند: یک خانواده‌ی هسته‌ای خوشبخت باید دارای سه شرط اصلی برای تربیت فرزندان باشد:

۱. مهربان باشند.

۲. دانا و آگاه باشند.

۳. امکانات رفاهی مناسبی داشته باشند.

بنابراین در چنین شرایطی می‌توانیم انتظار داشته باشیم که بچه به بهترین نحو تربیت می‌شود. ولی چون در عمل چنین چیزی

به‌طور مطلق وجود ندارد، می‌توان گفت که تاکنون هیچ فرد کاملاً سالمی پا به عرصه‌ی وجود نگذاشته و همه‌ی انسان‌ها در کودکی و یا نوجوانی آسیب‌هایی دیده‌اند و این آسیب‌ها در زندگی ما همواره نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

بسیاری از ما در موقعیت‌های مختلف در زندگی عکس‌العمل‌ها و رفتارهایی نشان می‌دهیم که در واقع بروز همان آسیب‌هایی است که در دوران کودکی و نوجوانی دیده‌ایم. بنابراین مهم‌ترین نکته‌ی پیش از ازدواج شناخت خود است.

فروید معتقد است که انسان مانند کوه یخی در آب است. ده درصد آن بیرون است و نود درصد آن زیر آب است که هیچ کس از آن خبر ندارد. ما فقط می‌توانیم درصد کمی از ضمیر ناخودآگاه خود را بشناسیم. برای شناخت خود نیز لازم است دو چیز را بدانیم:

۱. به چرایی رفتار خود آگاه باشیم.

۲. شرایط روحی خود را بشناسیم؛ یعنی بدانیم چرا غمگینیم، چرا خوشحالیم و یا چرا خشمگین می‌شویم. زمانی که این دو را درک کردیم، می‌توانیم بگوییم که خود را می‌شناسیم.

وقتی خود را شناختیم باید به دو مسئله‌ی مهم دیگر نیز

بپردازیم :

۱. با کمک روانشناس و مشاور، زخم‌هایی که در کودکی خورده‌ایم را درمان کنیم.

۲. آگاهی، شعور و اندیشه را مبنای زندگی خود قرار دهیم. در غیر این صورت نباید انتظار داشته باشیم که زندگی مشترک خوب و موفقی را آغاز کنیم.